

اندر باب مصاحبه افق با اعلیحضرت

امیرفیض - حقوقدان

پس از انتخابات! ریاست جمهوری ایران، آقای دهقانپورمصاحبه ای با اعلیحضرت داشت که نقطه نظرهای در آن مصاحبه مورد نقد این تحریراست.

مطالبات مردم

بخشی از بیانات اعلیحضرت متوجه مطالبات مردم از جمهوری اسلامی بود و در این راستا ابراز عقیده فرموده اند که خواست مردم هماهنگ با آزادی و دموکراسی و سکولاریسم است. سابقه این باور ایشان مترادف با پیدایش فکر سکولاریسم میباشد.

برداشت اعلیحضرت - با واقعیت همراه نیست، در نظر سنجی که درست بعد از انتخابات! ریاست جمهوری توسط باشگاه خبرنگاران جوان انتشار یافته حاکی است که ۵۶ درصد الویت رابه بهبود وضع اقتصادی و حل معضلات رفاهی دانسته اند - ۱۷ درصد تحول در سیاست خارجی را منظور داشته اند و ۵ درصد آزادی های بیشتر فرهنگی را مطالبه کرده اند (نهم تیرماه ۹۲)

نظر سنجی بالا نشان میدهد که برخلاف برداشت اعلیحضرت، الویت با آزادی و دموکراسی نیست بلکه بطور حتم با معیشت و کار است و در نظر سنجی بالا چیزی که اصلا مطرح نبوده همان سکولاریسم و آزادی و دموکراسی است.

طبیعت انسان ها تقدم والویت دادن به امور معاشی و رفاهی بر مقاصد سیاسی است. شاهنشاه ایران هم در کتابشان یاد آور شده اند که با وجود فقر و سختی معیشت نمیتوان صحبت از دموکراسی کرد. آقای سرشار رئیس نخستین کانون وکلای تهران در مجله کانون وکلا نوشته اند؛ «حوقتی فقر از پنجره وارد شد دین و ایمان و آزادی و درستی و انسانیت از دردیگر فرار میکنند».

ضرب المثل «گرسنه دین و ایمان ندارد» بازگوکننده همین واقعیت است.

علت پیدایش این تصور نادرست این است که ما ایرانیان خارج از کشور در موقعیتی قرار داریم که درک مصائب رفاهی و معیشتی ایرانیان داخل کشور را نمیکیم و به عبارت (کافر همه رابه کیش خود پندارد)، تصور میکنیم که ایرانیان داخل نیز مشکل رفاهی و معیشتی ندارند، و همین فکرنادرست سبب شده که یک دیوار بی اعتمادی از مصالح بی فکری و بی اعتنائی نسبت به ایرانیان داخل کشور بین ما و آنها بوجود آمده است.

همین تصور نادرست است که ایرانیان خارج از کشور محرک و مشوق آمریکانیها در تحمیل تحریم های غیرقانونی به ایرانیان شناخته شده اند، و این بدترین دید گاهی است که نسبت به ایرانیان خارج از کشور بوجود آمده که ملات محکم بی اعتمادی توأم بانفرت و دشمنی آنرا مستحکم ساخته است.

گفتنی نیست که اگر اعلیحضرت پرچمدار مخالفت با تحریم های غیرقانونی علیه مردم ایران میشدند و در حالیکه، به عبارتی تحریم کنندگان میدانستند که اثر تحریم ها بر قشر متوسط و فقیر مردم است دیوار بی اعتمادی، به امید و تاسی به اعلیحضرت و اپوزیسیون خارج از کشور تبدیل میشد، و هرگونه گشایشی در امور رفاهی و معیشتی مردم به حساب کوشش و تلاش اعلیحضرت منظور میشد.

تاریخ مبارزه ایرانیان نشان میدهد که همواره تظاهرات و مخالفت‌های باحکومت ازسبب کمبود نان وگرانی وسختی معیشت براه افتاده است، نه آزادی ودمکراسی، شعارما نان وکارمیخواهیم در۱۷ آذر یک شعارانسانی است نه سیاسی که مقاومت پذیرباشد. دیدید که خمینی درشورش ۱۹۷۹ مسئله مستضعفان رامطرح ساخت، آنها درحالیکه درکشور اصلا مسئله ای بنام فقر وسختی معیشت وجود نداشت.

- اعلیحضرت درمورد سنگسار ثریا دختر۱۳ ساله به خوبی درخشیدند وبا نوشتن نامه وملاقات با مسنولین حقوق بشرسازمان ملل موجبات رهائی آن دختررا فراهم ساختند.
- اعلیحضرت درمورد پناهندگی تیم کاراته بازان ایران، اقدام موفقیت آمیزو چشمگیری داشتند.
- اعلیحضرت درمورد نام خلیج فارس بامکاتبه وملاقات، از نام خلیج فارس رفع سوء تعبیرفرمودند.

(مشروح ومفصل مراتب بالا درسنگرها ست)

ولی درکمال تاسف درمورد تحریمها عکس آن درخشش ها را داشتند که هنوز هم ادامه دارد. درست است که کوششهای اعلیحضرت واپوزیسیون ممکن بود به تصمیم آمریکا خلیج درتحریم ها وارد نسازد ولی مخالفت با آن تحریم ها با موافقت وحتى ادامه آن بسیار تفاوت دارد، اولی اعلیحضرت واپوزیسیون رادرکنارمردم قرارمیداد ودومی درکنار آمریکا قرار داده است. واقعا مردم ایران چگونه میتوانند فراموش کنند که پیشنهاد تحریم های سفت وشوک آور از ناحیه ایرانیان خارج ازکشور به آمریکا داده شد ودراین مورد خاص، اعلیحضرت بجای مخالفت سکوت و هماهنگی رامصلحت دانستند.

ما چون درشرایطی نیستیم که شرمساری پدري راکه نمیتواند هزینه زندگی دخترش رافراهم کند و او را روانه فحشا میکند یا نمیتواند سفره نانی برای عیال وکودکانش فراهم سازد، ما چون دراین موقعیت رنج آور قرار نگرفتیم که داروی نسخه شده ازدکتر که بسیارهم فوریت دارد پیدا نشود، درد ورنج تحریم ها را درک نمیکنیم وبجای اینکه به درد مردم برسیم ویاخود را شریک مشکلات آنها بسازیم به مصداق؛

«یکی میمرد از درد بی نوائی یک گفت خاتم زردک میخواهی» عمل کرده ومیکنیم.

ما درمورد تحریمهای تحمیلی به مردم ایران بسیار، بسیار بد وغیرانسانی عمل کردیم ما درمورد تحریمهای تحمیلی به مردم حتی درحدپائین انسانییت هم عمل نکردیم.^۱

خیلی معنا دارد که انسان معیشت رابرهموطنانش سخت کند برای غایت مقصودی که بیگان مترصد درسترسی به آن هست.

^۱ - البته استاد امیرفیض و اینجانب همواره با تحریم ها بشدت مخالف بوده و تشویق کننده های چنین رفتاری را مورد انتقاد قرار داده ایم. آقای علی میرفطروس نه تنها مشوق تحریم های سخت و جراحی شده بود مشود حمله های نظامی حساب شده هم بود و هست. ح-ک

در باب گرایش مردم

فصاحت بیان اعلیحضرت متوجه این موضوع شد که فرمودند «هرحکسی که مخالف خامنه ای باشد مردم به آن طرف گرایش پیدا میکنند».

آیا مردم ایران مخالف با خامنه ای و حکومت جمهوری اسلامی نیستند؟ البته که هستند، و آمارهای خود رژیم هم گواه این روشنی است.^۲

آیا حرکت سیاسی اعلیحضرت در جهت مخالفت با خامنه ای نیست «مقصود قبل از بیعت شورای باصطلاح ملی، با خامنه ای و جمهوری اسلامی است»

اگر هست که هست چرا مخالفان خامنه ای به مبارزه اعلیحضرت نپیوستند و از باب مثال بجای رای دادن در حوزه های رای به سفارتخانه هار جوع نکردند و اساسا در جریان تشکیل شورای به اصلاح ملی! هم گرایش مردم ایران به مبارزه اعلیحضرت مشهود نشد.

پاسخ این پرسش باشورای به اصطلاح ملی! است ولی پاسخ روشن و سردست این است که ایرانیان داخل کشور گرچه مخالف با خامنه ای و جمهوری اسلامی هستند ولی با نبودن قطب امید و اعتماد ترجیح میدهند که با همان مردار خواری سرکنند.

با لئیمان بسته نیکان زاضطرار اضطرار است آدمی مردار خوار

من مشوق روحانی و ناهر کسی هستم که

در بیانات اعلیحضرت در این مصاحبه اشاره ای بود، که البته سابقه دار است، و سابقه آن به آن زمان میرسد که فرمودند: «رفسنجانی و یاکسی دیگری یک قدری رفرم ایجاد بکند که منم بتوانم مانند یک شهروند در ایران زندگی کنم و تعهد هم میکنم که کار سیاسی ننمایم»

بیان اعلیحضرت در این مصاحبه آنجا بود که فرمودند: «هر قدمی، چه روحانی و دیگری بردارد اولین کسی که تشویق خواهم کرد من بودم»

اعلیحضرت بابیان مقصود شان موقعیت سیاسی خودشان را ارانه فرمودند که یک مخالف رفاهی جمهوری اسلامی هستند نه مبارز سیاسی و یا معتقد سیاسی.

تازه در این بیان ایشان، احتیاط باور شرط مهم است. آیا دردوران احمدی نژاد حتی یک قدم مفید برداشته نشده است که لایق تشویق باشد، در حالیکه احمدی نژاد احترام و شایستگی که برای ملیت و ایران قائل شد در فضای ضد ملی و ضد ایرانی قدمی بسیار با ارزش و استثنائی بود که جمهوری اسلامی را حقیقتا لرزاند.

شاید این برداشت درست باشد که توجه خاص آمریکا به انتخاب حسن روحانی محرک و مشوق اعلیحضرت به بیان موضوع باشد.

^۲ - آنجاییکه خامنه ای التماس میکند، اگر بخاطر جمهوری اسلامی نیست بخاطر کشورشان بروند رای بدهند بروز دهنده همین نارضایتی و مخالفت مردم از رژیم و خامنه ای است.. ح-ک

اعتراف تاریخی

اعلیحضرت در مصاحبه مورد نقد بیانی را ارائه فرمودند که میتوان از آن بعنوان اعتراف تاریخی یاد کرد بیانشان چنین است.

«مردم آمدند جلو خطر کردند جانشان را فدا کردند ولی به آنها خیانت شد و یابه آنها پشت کردند و یا روی هوا و لشان کردند»

اسناد مبارزه نشان میدهد که فرمایشات ایشان کاملا درست و یک اعتراف بجا و بحق است، ولی همه اش را فرمودند؛ زیرا اسناد نشان میدهد، کسی که به مردم ایران پشت کرد و یا روی هوا و لشان کرد شخص اعلیحضرت بودند، مقصود آنجاست که خودشان فرمودند؛ جوانان داخل کشور بمن گفته اند که؛ «آقا ماکسی رانداریم که پشت ما را بگیرد معطل چه هستید بیانید رهبری کنید» و ایشان به همه آنها پشت کردند.

مقصود آنجاست که به ایرانیان داخل کشور فرمودند؛ «کاری نکنید تا من بگویم که چه بکنید و چه نکنید».

ولی بیست و چند سال، آن ایرانیان منتظر دستور را و لشان کردند در هوا، تا امسال که فرمودند بروید به سفارت رای بدهید!!

آبایی احتیاطی نبود؟

مصاحبه کننده سوال میکند که آیا اینکه قبل از شروع انتخابات شما انتخابات را غیر آزاد و مهندسی شده اعلام کردید یک بی احتیاطی نبود.

اعلیحضرت پاسخ گفتند؛ «خیر دمکراسی و آزادی بیان همانطور که به خامنه ای اجازه داده به ما هم اجازه میدهد که اظهار نظر کنیم»^۲

اظهار نظر نسبت به موضوعی که رخ نداده، پیشگویی است و پیشگویی هم کار انسان های واقع بین نیست، قصاص قبل از جنایت است و یک شخصیت سیاسی و اعتباری نباید به آن آلوده شود.

تا آنجا که در جریان هستم فقط یکنفر بنام تاج زاده از زندان در خرداد سال جاری ۱۰ روز قبل از شروع رای گیری نامه ای به خامنه ای نوشت و او را متهم به مهندسی در آرا نمود و پیشاپیش شروع انتخابات نوشت؛ «امیدوارم خدا از سرتقصیر شما بگذرد که فرصت تاریخ را از ملت ایران گرفتید و جالب اینکه باین مهندسی آشکار در باب انتخابات انتظار دارید که مردم باور کنند که رهبری در انتخابات دخالت و نظری نداشته است بهر حال انتخابات برگزار خواهد شد و ما همچنان شعار و استراتژی مان این است؛ تنه راه نجات ایران انتخابات آزاد است» (خرداد ۹۳ نامه از زندان)

علاوه بر اینکه یک تفاهم فکری و پیش داوری بین اعلیحضرت و تاج زاده نسبت به انتخابات وجود دارد این برداشت نیز حائز اهمیت است که شعار «انتخابات آزاد» اعلیحضرت هم مانند متن قطعنامه شورای به اصطلاح ملی! از زندان اوین آمده است.

^۲ - نگاه دیگر به این بخش از فرموده ایشان این برداشت را دارد که در رژیم جمهوری اسلامی «آزادی بیان» هست و خامنه ای هم از آن بهره مند است. به نوعی تلویحا حضور آزادی در درون رژیم اسلامی را تلقین میکند. ح-ک

فرق ایرانیان با مردم سایر کشورها

اعلیحضرت در این مصاحبه به نکته بسیار حساس و درستی اشاره فرمودند و آن این است که در مقابل سوال مصاحبه کننده که آیا ممکن نیست که آنچه بر عراق و افغانستان رفته بر ایران هم برود فرمودند: «ملت ایران با مردم سایر کشورها تفاوت دارند»

اعلیحضرت کاملاً درست میفرمایند، همین امروز که این تحریر تنظیم میشود خبر آمده که جوانان مصر ۱۶ میلیون امضا برای برکناری موریسی جمع آوری کرده اند، مردم مصر با ما ایرانیان خارج از کشور تفاوت آشکاری دارند که آنها اگر ۱۶ میلیون امضا برای برکناری رئیس جمهورشان جمع میکنند ما هم شورای ملی داریم که ۲۰ هزار امضا برای زمینه سازی تجزیه ایران جمع میکند!! و اگر مصریها خواستار برکناری موریسی هستند، شورای ملی!! هم بیعت نامه باخامنه ای را منتشر میسازد.

البته که مردم کشورها با هم فرق دارند برخی از شرافت ملی و عرق میهن پرستی پیروی میکنند و برخی از هوی و هوس. برخی علیه دخالت آمریکا در کشورشان تظاهرات و مقاومت میکنند و برخی مکرر در مکرر خواهان دخالت آمریکاییها در امور کشورشان میشوند و عجیب و بسیار هم عجیب که بیت معروف سعدی به اینکه بنی آدم اعضای یک پیکرند - که در آفرینش زیک گوهرند را.. دلیل حقانیت و مشروعیت درخواست حمایت و دخالت از خارجیان از مخالفان رژیم عنوان فرموده اند.

بالندگی خارج از انتظار

در این مصاحبه برای اولین بار اعلیحضرت در برج بالندگی قرار گرفته اند. مقصود آنجاست که فرمودند: «یکدم فرصتی که به کاندیدای ریاست جمهوری داده شد، اگر بمن داده میشد که با هم میهناتم دوکلمه حرف بزنم مطمئن باشید که عکس العمل متفاوتی داشتیم» (مقصود نتیجه انتخابات است) ^۴

اعلیحضرت بیش از مجموع روسای کشورها تاکنون مصاحبه و سخنرانی و بیانات فرموده اند که نه تنها در ایران که در تمام جهان پخش شده است، در همین مصاحبه اخیر آقای دهقانپور میگوید: «از تهران تا واشنگتن باافق هستید» یعنی شعاع سخنان اعلیحضرت به فاصله تهران تا واشنگتن است.

این مصاحبه ها جز دستاوردهای منفی و اعتبار شکن و سالب امید مردم چه داشته که اعلیحضرت خود را در مقام بالندگی آن یافته اند؟

حکیم مولوی در جلد دوم دفتر پنجم خود سخنی پرمعنا دارد او گفته است:

«اعتراف به زشتی ها موجب زیبایی است و بالندگی به زیبایی ها موجب زشتی است»

یعنی بالندگی حتی به چیزهای خوب، زشت و مذموم است.

اعلیحضرت در جایگاه سلطنت مظهر بالندگی و غرور ایران و ملت ایران هستند که این مظهریت به حکم سنت تاریخی و قانون اساسی و ادیان زرتشت و اسلام به اعلیحضرت موهبت شده است در خارج

^۴ - چنین انتظاری در صورتی موجه است که ایشان خودشان را در حد کاندیدا های ریاست جمهوری تلقی می فرمودند. وگرنه در کنار آن درخواست فرصت به چه معنا تعبیر شدنی است؟؟ ح-ک

از آن پایگاه، بالندگی و غرور میشود تخیل و غرور شخصی و لاف که ناپسند وزشت شناخته شده، یکی از حکما در این مورد گفته است: «مغرور، اول به خودش دروغ میگوید و بعد به مردم»

حکیم فردوسی هم به ذم لاف سخن دارد:

هر آنکس که راند سخن از گزاف بُود بر سرانجمن مرد لاف

به گاهی که تنها شود در نهفت پیشیمان شود ز آن سخن ها که گفت